

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice
dated October 2017 to all who celebrate the Glory of God]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به ستاینندگان شکوه و جلال خداوندگار در سراسر عالم
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

اکتبر ۲۰۱۷

ستاینندگان شکوه و جلال خداوندگار در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

گفتار را با بیان این حقیقت والا شروع می‌کنیم که اهل عالم همیشه مشمول نظر پروردگار خود بوده و هستند. آن ذات منبع لایدرک در هر دوره‌ای از تاریخ با ارسال پیامبری به منظور اشاعه قوای محرکه روحانی و اخلاقی لازم برای همکاری و پیشرفت انسان‌ها ابواب فضل و رحمت را به روی عالمیان گشوده است. بسیاری از این مطالع انوار گم‌نام مانده‌اند ولی برخی در صفحات تاریخ می‌درخشند، نام‌شان هم‌چنان مورد احترام و ستایش می‌باشد، موجب تحوّل افکار گشته، مخازن علم و دانش را گشوده و الهام‌بخش پیدایش تمدن‌ها بوده‌اند. هر یک از این متبصرین روحانی و اجتماعی و آینه‌های پاک فضایل اخلاقی در پاسخ به احتیاجات ضروری زمان خود، حقایق و تعالیمی را ارائه فرموده‌اند. در شرایطی که جهان با دشوارترین چالش‌های خود رو به روست نام حضرت بهاء‌الله را که دویست سال پیش به عرصه وجود قدم نهادند با شرف و شادی به عنوان چنین شخصیتی گرامی می‌داریم، شخصیتی که تعالیمش برآستی نوع بشر را به سوی دوران صلح و وحدت موعود هدایت خواهد کرد.

حضرت بهاء‌الله از ابتدای جوانی در نزد آشنایان و اطرافیان به نفسی که صاحب سرنوشتی خاص است اشتهار داشتند، متمایز به خصایل روحانی و حکمتی فردانی بودند گوئیا که انوار ملکوتی در وجودشان متجلی بود. در عین حال مجبور به تحمّل چهل سال رنج و مشقت گردیدند از جمله تبعیدها و مسجونیت‌های پی در پی به دستور دو سلطان مستبد، حملات وسیع برای لگه‌دار کردن نام ایشان و محکوم نمودن پیروان‌شان، و خشونت و بی‌حرمتی و سوء قصد بی‌شمارانه به حیات مبارک‌شان. حضرت بهاء‌الله همه این مشقت‌ها را به دلیل محبت بی‌منتها به نوع انسان و در نهایت روح و ریحان و بردباری و مدارا و با میل و رضا و با شفقت نسبت به ستم‌گران تحمّل فرمودند. حتی مصادره کلیه متعلقات دنیوی‌شان خاطر آن حضرت را نیاززد. این پرسش ممکن است برای هر ناظری مطرح شود که نفسی با محبت تام نسبت به دیگران و در حالی که همواره مورد حمد و ستایش عمومی بوده، به نیکوکاری و بلندنظری اشتهار داشته و به دنبال هیچ قدرت سیاسی نبوده چرا می‌باید هدف چنین خصومت‌هایی واقع گردد. دلیل مصائب وارده بر آن حضرت برای کسانی که با روال تاریخ آشنایی دارند البته کاملاً روشن می‌باشد. ظهور پیامبران الهی در جهان بدون استثنا با مخالفت‌های شدید و خشونت‌بار صاحبان قدرت

همراه بوده است. اما نور حقیقت خاموش شدنی نیست و بنا بر این در زندگی این هیاکل فرابشری می توان فداکاری، شجاعت و دیگر اعمالی را مشاهده نمود که گواه اقوالشان است، نکته ای که در هر مرحله از حیات حضرت بهاء الله نیز عیان و آشکار می باشد. حضرت بهاء الله علی رغم سختی ها و مشقت های بی پایان هرگز سکوت اختیار نکردند و به نزول کلام مقتدر و نافذ الهی خود ادامه دادند — کلامی که با بصیرت دردهای عالم را تشخیص داد و درمان را تجویز نمود، کلامی که حامل عدالت بود و سلاطین و امرا را به وجود قوایی که بالمآل آنان را از سریر قدرت خواهد انداخت هشدار داد، کلماتی که روح را به اهتزاز آرد، منقلب و مصمم نماید تا خویشتن را از خارستان نفس و هوی رها سازد، و کلماتی که صریح، جذاب و مؤکد است و می فرماید "لیس هذا من عندی بل من لدن عزیز علیم." در بررسی زندگی چنین شخصیتی آیا این پرسش پیش نمی آید که اگر این امر از جانب خدا نیست پس چه امری را می توان به خدا نسبت داد؟

مریبان تمام عیاری که در طول تاریخ موجب نورانیت عالم شده اند میراثی از کلمات مقدسه از خود به جای گذاشته اند. در کلماتی که بمثابة رودخانه ای عظیم از قلم حضرت بهاء الله جاری شده مواهبی بس وسیع و متعالی نهفته است. نفوسی که با آثار مبارکش آشنا می شوند اغلب در ابتدا مجذوب دعا و مناجات های به غایت زیبا می گردند که آرزوی فطری روح را برای نیایش شایسته خالق خود برآورده می سازد. در اعماق دریای کلماتش احکام و مبادی اخلاقی لازم برای رهایی روح انسان از غلبه غرایض نفسانی که درخور مقام حقیقی او نیست یافت می شود. در این بحر زخار آرمان های پایداری را نیز می توان یافت که والدین می توانند در پرتو آن کودکان خود را نه صرفاً به مانند خود بلکه با اهدافی والاتر پرورش دهند. تبیینات و تشریحاتی نیز وجود دارد که نقش ید غیبی را در سفر پر پیچ و خم تاریخ بشری از مراحل وحدت قبیله و وحدت ملی به سوی مراحل بالاتری از اتحاد آشکار می نماید. ادیان مختلف را بمنزله مراحل توسعه یک حقیقت واحد توصیف می کند که با مبدئی مشترک و هدفی مشترک با هم مرتبط اند، هدف تقلیب حیات باطنی و شرایط ظاهری نوع بشر. تعالیم حضرت بهاء الله به شرافت روح انسان گواهی می دهد. اجتماع مورد نظر حضرت بهاء الله اجتماعی است در شأن آن شرافت و مبتنی بر اصولی که آن شرافت را حفظ و تقویت می نماید. آن حضرت یگانگی نوع بشر را محور حیات جمعی قرار داده تساوی زن و مرد را صریحاً تأکید می فرماید. نیروهای به ظاهر متضاد عصر حاضر را چون علم و دین، وحدت و کثرت، آزادی و نظم، حقوق فردی و مسئولیت های اجتماعی با هم سازش می دهند. در میان عظیم ترین ارمان های آن حضرت اصل عدالت است که در قالب مؤسساتی ظاهر می گردد که نقطه نظرشان پیشرفت و تعالی همه مردمان می باشد. حضرت بهاء الله خود گواهی می دهند که "آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم" و هم زمان "آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاقست ثبت فرمودیم". آیا این پرسش پیش نمی آید که پاسخ شایسته به چنین ارمانی چه خواهد بود؟

حضرت بهاء الله می فرمایند "هر طالبی البتّه باید کمر جهد و طلب بسته به شاطی آن بحر درآید". تعالیم روحانی پیامبران طیّ قرون و اعصار در نظام های دینی تجسد یافتند و به مرور زمان با جنبه هایی از فرهنگ درهم آمیختند و همراه با اصول جزمی ساخته دست بشر به تنزل گراییدند. اما با نگاهی به ماورای این نکات واضح

می‌گردد که تعالیم اصلی ادیان منشأ ارزش‌های جهانی‌ای هستند که آگاهی اخلاقی نوع بشر را شکل داده‌اند و از طریق آنها مردمان مختلف اهداف مشترک یافته‌اند. به دلایلی روشن، در اجتماع امروزی اعتبار دین لطامت فراوانی دیده است. اگر نفرت و اختلاف به اسم دین ترویج شود، بی‌دینی مرجح است. ولی دین حقیقی را می‌توان از ثمراتش شناخت. قابلیت دین در الهام بخشیدن، در تقلیب قلوب، در ایجاد وحدت و در ترویج صلح و رفاه می‌باشد. دین حقیقی با عقل و خرد تطابق دارد و برای پیشرفت اجتماع وسیله‌ای اساسی محسوب می‌شود. آیین حضرت بهاء‌الله انضباط عمل در پرتو تفکر و تأمل را در افراد و در جامعه پرورش می‌دهد و بدین وسیله بصیرت‌های لازم برای بهبود اجتماع به تدریج حاصل می‌گردد. حضرت بهاء‌الله سعی در تغییر اجتماع از طریق توطئه‌های سیاسی، فتنه و آشوب، بدگویی از گروه‌های خاص، و یا از طریق جنگ و اختلاف را مردود دانسته‌اند زیرا این قبیل روش‌ها موجب تداوم ادواری کشمکش گردیده راه حل‌های پایدار را همواره از نظر دور نگه می‌دارد. ابزار مورد نظر آن حضرت ابزاری کاملاً متفاوت است. حضرت بهاء‌الله جهانیان را به کردار نیک، گفتار محبت‌آمیز و اعمال طیبیه مرضیه دعوت می‌نمایند و خدمت به دیگران و تعاون و تعاضد را وظیفه همگان می‌شمارند. آن حضرت هر یک از اعضای جامعه بشری را به جدیت در راه بنای تمدنی جهانی مبتنی بر تعالیم الهی فرا می‌خوانند. بعد از تعمق در وسعت بینش آن حضرت، آیا این پرسش پیش نمی‌آید که نوع انسان به جز این بینش، امید آینده خود را بر چه اساسی می‌تواند واقع بینانه بنا نماید؟

در هر سرزمینی، نفوسی که مجذوب پیام حضرت بهاء‌الله شده‌اند و به بینش آن حضرت متعهد می‌باشند به نحوی سیستماتیک می‌آموزند که چگونه تعالیم مبارکش را به مرحله عمل درآورند. افواجی از جوانان به نحوی فزاینده از هویت روحانی خود آگاهی پیدا کرده انرژی خویش را در جهت پیشرفت اجتماع به کار می‌گیرند. مردمانی با دیدگاه‌های متفاوت، درمی‌یابند که چگونه مشورت و جستجوی جمعی برای یافتن راه حل را جای‌گزین مشاجره و تحمیل قدرت سازند. از هر نژاد، مذهب، ملیت و طبقه، نفوسی با الهام از این بینش که اهل عالم یک نوع واحد و کره زمین یک وطن واحد است متحد می‌شوند. بسیاری از کسانی که مدت‌های مدید رنج و مشقت کشیده‌اند، صدای خویش را باز یافته شرکت‌کنندگان کاردان و خستگی‌ناپذیر پیشرفت و توسعه خود می‌گردند. از روستاها، محله‌ها، و شهرهای کوچک و بزرگ، مؤسسات، جوامع و افرادی قیام می‌نمایند که متعهد به همکاری با یکدیگر برای ساختن جهانی متحد و مرفه می‌باشند، جهانی که براساسی می‌تواند شایسته نام ملکوت الهی بر بسط زمین باشد. در این دو بیستمین سالگرد میلاد خجسته حضرت بهاء‌الله، نفوس بی‌شماری که جزو این مشروع روحانی می‌باشند اطرافیان خود را دعوت می‌نمایند تا این فرصت را غنیمت شمرند و دریابند که حضرت بهاء‌الله کیست و پیامش چیست و هم‌چنین درمانی را که تجویز فرموده به محک امتحان گذارند. ظهور حضرت بهاء‌الله گواه اطمینان‌بخشی است بر اینکه جامعه بشری که در معرض خطرات متعدّد قرار دارد، فراموش نشده است. وقتی جمع کثیری از مردمان خیرخواه سراسر جهان طی سالیان متمادی برای پاسخی به مشکلات موطن مشترک خود به درگاه خداوند متعال ملتمسانه دعا کرده‌اند آیا جای تعجب است که پروردگار عالمیان ادعیه آنان را مستجاب نموده است؟